رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی
دورهٔ ۶، شمارهٔ ۲۳، زمستان ۱۳۹۷
ص ص : ۷۲– ۶۳

مطالعهٔ پارامترهای تأثیرگذار بر محیط عمومی ورزش قهرمانی

عباس شعبانی*[۱] – سجده مرادی[۲]
۱. استادیار، گروه تربیت بدنی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، تهران، ایران
۲. کارشناس ارشد تربیت بدنی، گروه تربیت بدنی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران
(تاریخ دریافت : ۱۹ / ۰۲ /۱۳۹۶ ، تاریخ تصویب : ۱۲ / ۰۴ / ۱۳۹۷)

چکیده

هدف از این پژوهش مطالعهٔ پارامترهای تأثیرگذار بر محیط عمومی ورزش قهرمانی است. روش تحقیق توصیفی – پیمایشی و از نظر هدف، بنیادی نظری است. متغیر وابستهٔ این پژوهش ورزش قهرمانی با شاخص جایگاه کشورها در المپیک ۲۰۱۲ لندن و ۲۰۱۶ ریو است و متغیرهای مستقل پژوهش شامل میزان جمعیت کشورها، میزان وسعت سرزمینی کشورها، میزان تولید ناخالص داخلی کشورها، میزان سطح رفاه کشورها و شاخص توسعهٔ علمی است. شیوهٔ جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و ابزار اندازه‌گیری تحقیق، فرم‌های جمع‌آوری داده‌ها بوده است، که از سایت‌های معتبر اطلاعات‌سنجی استخراج شد. جامعهٔ آماری پژوهش شامل اطلاعات کشورهایی که در المپیک ۲۰۱۲ و ۲۰۱۶ دارای جایگاه بوده‌اند، است. برای تجزیه‌وتحلیل یافته‌ها از آزمون‌های کولموگروف اسمیرنوف، آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی استفاده شد. نتایج تأثیر سه عامل میزان جمعیت، وسعت سرزمینی و تولید ناخالص داخلی را بر توسعهٔ ورزش قهرمانی تأیید و تأثیر دو عامل سطح رفاه و علمی را تأیید نکرده است. همچنین نتایج نشان داد تأثیر این عوامل در قاره‌های مختلف متفاوت است. در نهایت می‌توان گفت این پنج عامل به‌تنهایی قادر به پیش‌بینی توسعهٔ ورزش قهرمانی نیستند و در تعامل با یکدیگر و سایر عوامل مستقیم می‌توانند اثرگذار باشند.

واژه‌های کلیدی

توسعهٔ علمی، جمعیت، رفاه، ورزش قهرمانی، وسعت.

* . نویسنده مسئول : تلفن : ۰۹۱۸۶۴۳۱۴۳۹
Email: a.shabani@riau.ac.ir

مقدمه

امروزه ورزش قهرمانی از یک مقولهٔ صرف رویداد ورزشی خارج شده و به‌عنوان ابزار رقابتی توسط کشورها استفاده می‌شود.،به‌طوری‌که بسیاری از کشورها با برنامه‌ریزی‌های بلندمدت، سرمایه‌گذاری‌های هنگفت، حمایت‌های مالی، مادی، سیاسی، اقتصادی و معنوی در تلاش‌اند سطح ورزش قهرمانی کشور خود را ارتقا بخشند و با میزبانی و حضور در رقابت‌های مهم مانند بازی‌های المپیک، بازی‌های آسیایی، مسابقات جهانی، آسیایی و بین‌المللی علاوه‌بر ایجاد شورونشاط در بین شهروندان، موفقیت‌ها و توانمندی‌های ورزشی، اقتصادی و سیاسی خود را به جهانیان نشان دهند. در این زمینه می‌توان به سخنرانی‌های رهبر چین در مراسم افتتاحیهٔ بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ اشاره کرد که عنوان کرد برگزاری مراسم افتتاحیه و مسابقات المپیک بخشی از قدرت چین است. بر این اساس موفقیت در ورزش قهرمانی و توسعهٔ آن در هر کشوری مستلزم شناخت دقیق قوت‌ها و ضعف‌های ورزش قهرمانی آن کشور است، چراکه ورزش قهرمانی هر کشوری با وضعیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن کشور در ارتباط است (۷). کسب مدال و افتخارات بین‌المللی متعدد در رقابت‌های ورزشی بزرگ نقطهٔ عطف توانمندی‌های بالقوه و بالفعل هر یک از کشورهای شرکت‌کننده به‌شمار می‌رود (۱۱). ازاین‌رو سیاستمداران و مسئولان سازمان‌های ورزشی کشورهای مختلف با آگاهی از اهمیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رقابت‌های ورزشی بین‌المللی معتبر مانند بازی‌های المپیک، همواره سعی دارند تا ضمن شناسایی عوامل مؤثر، با برنامه‌ریزی مناسب بیشترین مدال ورزش را به‌دست آورند (۲۲).

امروزه موفقیت بین‌المللی برای ورزشکاران یک کشور در رقابت‌های بین‌المللی و المپیکی به‌طور کلی تقویت‌کنندهٔ وجهه و اعتبار آن کشور در سطح جهانی می‌شود. اندازه‌گیری موفقیت در بسیاری از رشته‌های ورزشی مهم به‌وسیلهٔ جایگاه امتیازی در ارتباط با آن رقابت تعیین می‌شود. هرچند فلسفهٔ بازی‌های المپیک مشارکت در آن بازی‌هاست نه برنده شدن و رقابت بین کشورها، اما به هر حال کمیتهٔ بین‌المللی المپیک از جدول مدال‌ها که نشان‌دهندهٔ موفقیت المپیکی کشورهاست، استفاده می‌کند. در چند دههٔ گذشته رقابت بین کشورها برای بردن مدال‌ها در رقابت‌های بین‌المللی شدت بالایی به خود گرفته است. این امر موجب شده است که دولت‌ها و سازمان‌های ورزشی کشورها در سراسر جهان میزان بودجهٔ اختصاصی به ورزش قهرمانی و حرفه‌ای خود را افزایش دهند. به‌منظور موفقیت بین‌المللی، سیستم‌های ورزش حرفه‌ای کشورها به‌شدت متجانس و همگن شده‌اند و همهٔ آنها تقریباً از سیستم‌های واحدی پیروی می‌کنند. بسیاری از کشورها نشان داده‌اند که افزایش بودجهٔ ورزش قهرمانی و حرفه‌ای می‌تواند به افزایش کسب مدال‌ها در بازی‌های المپیک منجر شود. صنعتی شدن ورزش و تفریحات سالم، یکی از رویدادهای مهم قرن گذشته به‌شمار می‌رود (۳). موفقیت ورزشی برحسب کسب و تفاوت بین ارزش مدال‌های دریافتی (برحسب مدال‌های سه‌گانه) یک کشور در دو دورهٔ بازی‌های المپیک تعریف می‌شود. اگر مدال‌های یک کشور نسبت به دورهٔ قبل افزایش یابد، به آن ارزش یک (کشور موفق در ورزش قهرمانی) داده می‌شود و در غیر این صورت به آن ارزش صفر (کشور ناموفق) اختصاص داده می‌شود (۴). در جامعهٔ کنونی و امروزی، ورزش دیگر تنها یک فعالیت جسمی یا ذهنی مطرح نیست، بلکه یک سری عوامل سیاسی، اجتماعی، جمعیت‌شناختی، اقتصادی، فرهنگی و حتی ایدئولوژیکی فراوان همراه و در پس آن به‌صورت نهفته وجود دارد. امروزه مشخص شده است عوامل محیطی

فراوانی می‌تواند بر رشد ورزش قهرمانی کشورها مؤثر واقع شود (۲). نتایج برخی مطالعات حاکی از آن است که عوامل اقلیمی -جغرافیایی، شرایط سیاسی، وضعیت آموزشی و بهداشتی ممکن است به‌طور جداگانه یا در تعامل با شاخص‌های اقتصادی و جمعیت‌شناختی در ارتقای عملکرد ورزش قهرمانی یا کسب افتخارات بین‌المللی و مدال‌های المپیک مؤثر واقع شوند (۲۰،۱۶). همچنین همتی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۲) با استفاده از متغیرهای کلان اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و براساس مدل شبکه‌های عصبی نشان دادند که بین پیش‌بینی موفقیت کشورهای شرکت‌کننده در بازی‌های آسیایی و رتبه‌های واقعی آنها همبستگی بالایی وجود دارد (۸). جمعیت می‌تواند به‌عنوان یک عامل مستقل تأثیراتی بر رشد اقتصادی، نیروی انسانی، عرضهٔ منابع، محیط زیست و بهداشت و سلامتی داشته باشد. رشد اقتصادی جنبهٔ کمّی توسعهٔ اقتصادی را نمایان می‌سازد؛ کمیتی که توسط شاخص‌هایی مانند درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی و میزان سرمایه‌گذاری نشان داده می‌شود (۵). همچنین یافته‌های محمدی (۱۳۸۹) حاکی از آن است که ضریب جینی بر عملکرد ورزش قهرمانی به‌طور معناداری تأثیر دارد. به‌عبارتی، در تبیین این موضوع باید گفت که اگر کشوری ثروتمند باشد، اما این ثروت به‌خوبی در جامعه توزیع نشده باشد، نمی‌توان انتظار داشت که ثروت موردنظر پشتیبان خوبی برای فعالیت‌های ورزشی باشد؛ درحالی‌که اگر توزیع ثروت عادلانه باشد، امکان رشد و شکوفایی همهٔ استعدادهای ورزشی فراهم خواهد شد (۶). نتایج پژوهش کاستونا (۲۰۱۱) حاکی از آن است که شاخص اقتصادی تولید ناخالص داخلی[1] می‌تواند در موفقیت و کسب مدال‌های المپیک تأثیر بسزایی داشته باشد (۱۰). در تأیید این مطلب گزارش کمیتهٔ بین‌المللی حاکی از آن است که بیش از نیمی از مدال‌ها و افتخارات بازی‌های المپیک تابستانی ۲۰۰۸ پکن توسط ۱۰ کشور توسعه‌یافتهٔ جهان کسب شده است. همچنین نتایج پژوهش لیندفلت (۲۰۱۶) بیانگر این است که برخی عوامل مرتبط با استراتژی‌های ورزش نخبگان از جمله عوامل سیاسی- داخلی (اصلاحات اجرایی دولت)، عوامل سیاسی – خارجی (سیاست‌های اتحادیهٔ اروپا)، عوامل اقتصادی، عوامل قانونی و عوامل محیطی به‌طور خاصی می‌توانند بر ورزش قهرمانی تأثیرگذار باشند (۱۸). وان (۲۰۱۶) توسعهٔ ورزش قهرمانی و حرفه‌ای را از طریق توسعهٔ اقتصادی مانند سرمایه‌گذاری برای افزایش امکانات، تسهیلات و مسابقات و همچنین توسعهٔ اجتماعی کشورها می‌داند که این عوامل با یکدیگر می‌تواند به رشد رتبهٔ المپیک و جهانی کشورها منجر شود (۲۴). فتر (۲۰۱۵) نیز توسعهٔ ورزش قهرمانی را از طریق توسعهٔ فرهنگی جوامع می‌داند و عنوان می‌دارد عوامل فرهنگی به‌صورت نهفته در گسترش ورزش قهرمانی می‌توانند تأثیرگذار باشند (۱۲).

به‌طور کلی هدف از این پژوهش مطالعهٔ پارامترهای تأثیرگذار بر محیط عمومی ورزش قهرمانی است. محیط عمومی یا محیط کلان همهٔ شرایطی را که بر سازمان تأثیر داشته، ولی وابستگی سازمان، نسبت به آن، واضح و روشن نیست، در برمی‌گیرد. محیط عمومی همه‌چیز را دربرمی‌گیرد؛ مثل عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، ساختار حقوقی و وضعیت زیست‌بومی و غیره. بیشتر پژوهش‌ها در حوزهٔ ورزش قهرمانی در ارتباط با عوامل درونی و داخلی محیط ورزش مانند استعدادیابی، امکانات و تجهیزات ورزشی، منابع مالی در ورزش، مدیریت ورزشی، مسابقات، تحقیقات ورزشی و غیره است. ازاین‌رو در این پژوهش به‌دنبال مطالعه و تعیین ارتباط بین میزان جمعیت، وسعت، تولید ناخالص داخلی، سطح

1. Gross Domestic Product (GDP)

علمی و رفاه کشورها با جایگاه آنها در بازی‌های المپیک به‌عنوان شاخص مهم توسعهٔ ورزش قهرمانی کشورها هستیم.

روش‌شناسی

روش تحقیق این پژوهش توصیفی – پیمایشی است. این پژوهش از نظر هدف بنیادی نظری (جست‌وجوی کشف حقایق و شناخت پدیده‌ها با استفاده از داده‌های اولیهٔ کتابخانه‌ای) است. داده‌های پژوهش به‌صورت مقطعی جمع‌آوری شد. شیوهٔ جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و ابزار اندازه‌گیری تحقیق، فرم‌های جمع‌آوری داده‌ها بوده است، که از سایت‌های معتبر اطلاعات سنجی استخراج شد. متغیر وابستهٔ این پژوهش ورزش قهرمانی با شاخص جایگاه و مقام کشورها در المپیک ۲۰۱۲ لندن و ۲۰۱۶ ریو است و متغیرهای مستقل پژوهش شامل میزان جمعیت کشورها (سایت رسمی جمعیت‌شناسی دنیا[1])، میزان وسعت سرزمینی کشورها (دانشنامهٔ آزاد انگلیسی[2])، میزان تولید ناخالص داخلی کشورها (منبع: صندوق بین‌المللی پول[3])، میزان سطح رفاه کشورها با زیرشاخص‌های اقتصاد؛ کارآفرینی و فضای کسب‌وکار؛ حکومت و حکمرانی؛ آموزش؛ بهداشت؛ امنیت و ایمنی؛ آزادی فردی؛ و سرمایهٔ اجتماعی (منبع: شاخص رفاه لگاتوم[4]) و شاخص توسعهٔ علمی کشورها براساس مقوله‌های آموزش، پژوهش، استناد، چشم‌انداز بین‌المللی و درآمد دانشگاه‌ها (منبع: مؤسسهٔ تایمز[5]) است. جامعهٔ آماری این پژوهش شامل کشورهایی است که در المپیک ۲۰۱۲ و ۲۰۱۶ دارای جایگاه بوده‌اند، که میزان جمعیت، وسعت، تولید ناخالص داخلی، سطح رفاه و توسعهٔ علمی این کشورها استخراج شد. برای تجزیه‌وتحلیل یافته‌ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. در بخش نخست تجزیه‌وتحلیل توصیفی یافته‌ها به‌صورت جداول توزیع فراوانی ارائه شده است. در بخش آمار استنباطی از آزمون‌های کولموگروف اسمیرنوف به‌منظور آزمون طبیعی بودن توزیع داده‌ها و آزمون همبستگی پیرسون جهت تعیین ارتباط بین متغیرها و آزمون رگرسیون خطی جهت پیش‌بینی متغیرها استفاده شد. شایان توضیح است، کلیهٔ عملیات تجزیه‌وتحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار (اس پی اس اس[6]) نسخهٔ ۱۸، صورت پذیرفت.

یافته‌ها

جدول ۱ نشان می‌دهد تمامی متغیرهای پژوهش به‌دلیل اینکه سطح معناداری آنها بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است، دارای توزیع طبیعی‌اند که در نتیجه یکی از پیش‌فرض‌های مهم برای استفاده از آزمون‌های پارامتریک را دارا هستند.

جدول ۲ نشان می‌دهد ارتباط معناداری بین متغیر وابسته (توسعهٔ ورزش قهرمانی) با متغیرهای مستقل شامل میزان جمعیت، وسعت سرزمین و میزان تولید ناخالص داخلی کشورها وجود دارد و از طرفی بین متغیرهای میزان رفاه و توسعهٔ علمی با توسعهٔ ورزش قهرمانی رابطهٔ معناداری به‌دست نیامد.

جدول ۳ خلاصه مدل رگرسیون در ارتباط با متغیرهای پژوهش است. ضریب تعیین به‌دست‌آمده بیانگر این است که به‌ترتیب حدود ۲۱، ۱۹ و ۱۱ درصد تغییرات متغیر وابسته (مقام المپیک) مرتبط با متغیرهای مستقل (جمعیت، تولید ناخالص داخلی و وسعت) است.

جدول ۴ حاوی تحلیل واریانس رگرسیون به‌منظور بررسی قطعیت وجود رابطهٔ خطی بین متغیرهای پژوهش

1. world population clock
2. https://en.wikipedia.org
3. International Monetary Fund (IMF)
4. Research Institute Legatum
5. www.timeshighereducation.com
6. Spss

است که با توجه به اینکه سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ است، پس فرض خطی بودن رابطهٔ متغیرها تأیید می‌شود.

جدول ۱. نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف در مورد متغیرهای پژوهش

متغیر	Z	سطح معناداری	نتیجه
مقام المپیک	۰/۷۴۸	۰/۶۳۰	طبیعی
جمعیت	۱/۲۴۸	۰/۰۸۹	طبیعی
وسعت	۰/۶۶۷	۰/۷۶۵	طبیعی
تولید ناخالص داخلی	۰/۸۴۲	۰/۴۷۸	طبیعی
رفاه	۰/۵۲۴	۰/۹۴۶	طبیعی
توسعهٔ علمی	۰/۳۳۰	۱/۰۰۰	طبیعی

جدول ۲. آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای تعیین ارتباط بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معناداری
مقام المپیک (متغیر وابسته/ملاک) میزان جمعیت (متغیر مستقل/ پیش‌بینی‌کننده)	۰/۴۵۳	۰/۰۰۱ **
مقام المپیک (متغیر وابسته/ملاک) وسعت سرزمین (متغیر مستقل/ پیش‌بینی‌کننده)	۰/۳۲۷	۰/۰۰۲ **
مقام المپیک (متغیر وابسته/ملاک) میزان تولید ناخالص داخلی (متغیر مستقل/ پیش‌بینی‌کننده)	۰/۴۳۹	۰/۰۰۱ **
مقام المپیک (متغیر وابسته/ملاک) میزان رفاه (متغیر مستقل/ پیش‌بینی‌کننده)	۰/۱۱۰	ns۰/۶۰۱
مقام المپیک (متغیر وابسته/ملاک) توسعهٔ علمی (متغیر مستقل/ پیش‌بینی‌کننده)	۰/۰۱۳	ns/۹۵۹ ۰

جدول ۳. خلاصه مدل رگرسیون در ارتباط با متغیرهای پژوهش

متغیرها	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل‌شده
میزان جمعیت (پیش‌بینی‌کننده) مقام المپیک (ملاک)	۰/۴۵۳	۰/۲۱	۰/۱۹۶
وسعت سرزمین (پیش‌بینی‌کننده) مقام المپیک (ملاک)	۰/۳۲۷	۰/۱۱	۰/۰۹۶
میزان تولید ناخالص داخلی (پیش‌بینی‌کننده) مقام المپیک (ملاک)	۰/۴۳۹	۰/۱۹	۰/۱۸۳

جدول ۴. تحلیل واریانس مدل رگرسیون

متغیرها	مجموع مربعات	میانگین مربعات	F	سطح معناداری
میزان جمعیت و مقام المپیک	۱/۹۷۷	۱/۹۷۷	۲۱/۴۲۱	۰/۰۰۱**
وسعت سرزمین و مقام المپیک	۱۲/۶۰۵	۰/۳۲۳	۹/۹۴۶	۰/۰۰۲**
میزان تولید ناخالص داخلی و مقام المپیک	۱۴/۵۸۲	۰/۴۳۲	۱۹/۵۴۵	۰/۰۰۱**

جدول ۵. نتایج معنادارشدهٔ آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش در قاره‌های مختلف

قاره	متغیرهای مستقل و وابسته معنادارشده	ضریب همبستگی	سطح معناداری
قارهٔ آسیا	میزان جمعیت / مقام المپیک	۰/۵۳۸	۰/۰۰۸**
قارهٔ اروپا	میزان جمعیت / مقام المپیک	۰/۶۹۹	۰/۰۰۱**
قارهٔ اروپا	وسعت سرزمین / مقام المپیک	۰/۵۳۶	۰/۰۰۲**
قارهٔ اروپا	میزان تولید ناخالص داخلی / مقام المپیک	۰/۶۳۱	۰/۰۰۱**
قارهٔ آفریقا	وسعت سرزمین / مقام المپیک	۰/۶۳۴	۰/۰۴۹*
قارهٔ آمریکا	میزان جمعیت / مقام المپیک	۰/۵۹۴	۰/۰۲۵*
قارهٔ آمریکا	وسعت سرزمین / مقام المپیک	۰/۵۸۱	۰/۰۲۹*

در جدول ۵ رابطهٔ معنادارشدهٔ متغیرها به تفکیک قاره‌ها مشاهده می‌شود که در قارهٔ اروپا سه متغیر جمعیت، وسعت و تولید ناخالص داخلی بر توسعهٔ ورزش قهرمانی آنان مؤثر بوده است و در قارهٔ آمریکا میزان جمعیت و وسعت معنادار و مؤثر بوده است و در قارهٔ آسیا تنها میزان جمعیت و در قارهٔ آفریقا نیز تنها وسعت سرزمینی کشورها در توسعهٔ ورزش قهرمانی معنادار شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد ارتباط معناداری بین مقام‌های المپیک به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین شاخص‌های توسعهٔ ورزش قهرمانی با متغیرهای محیطی عمومی شامل میزان جمعیت، وسعت سرزمین و میزان تولید ناخالص داخلی کشورها وجود دارد. همچنین بررسی قطعیت متغیرها نشان داد رابطهٔ خطی بین مقام المپیک با متغیرهای مستقل (جمعیت، تولید ناخالص داخلی و وسعت) وجود دارد و به‌ترتیب در حدود ۲۱، ۱۹ و ۱۱ درصد تغییرات متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته (مقام المپیک و توسعهٔ ورزش قهرمانی) قابل پیش‌بینی است. عامل میزان جمعیت کشورها در این پژوهش ارتباط معناداری با توسعهٔ ورزش قهرمانی کشورها داشته و رگرسیون خطی ۲۱ درصد این عامل را به‌عنوان عامل توسعه‌دهنده در ورزش قهرمانی نشان داده و پیش‌بینی کرده است. لی (۲۰۱۶) معتقد است تغییرات جمعیتی و نقش آن در عرضهٔ نیروی کار و در نتیجه رشد تولید، می‌تواند در رشد و توسعهٔ اقتصاد، اجتماعی، فرهنگی و حتی ورزشی هر کشور نقش بسزایی داشته باشد (۱۷). از طرفی رابرتز (۲۰۱۳) و همتی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۰) اندازهٔ جمعیت را عامل اثرگذاری بر موفقیت‌های ورزشی نمی‌دانند (۲۱،۹). برخی معتقدند جمعیت زیاد خود عامل توسعه است، اما اوضاع جاری کشورهای در حال توسعه خلاف این نظریه را نشان می‌دهد، زیرا رشد بالای جمعیت، افزایش روزافزون و نیازهای اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و فرهنگی را در پی دارد که تأمین همهٔ آنها نه‌تنها در کوتاه‌مدت عملی نیست، بلکه در چارچوب برنامه‌های بلندمدت توسعه نیز، تلاش‌هایی عظیم و فراگیر می‌طلبد.

از سوی دیگر، گروهی نیز بر این باورند که با کاهش جمعیت، روند توسعهٔ کشورهای جهان سوم تسریع خواهد

شد و موانع مختلف یکی پس از دیگری از میان برداشته خواهد شد (۱). برای مثال در بازی‌های المپیک 2002، هند تنها یک مدال کسب کرد که این موضوع خلاف یافته‌های این پژوهش مبنی‌بر تأثیر جمعیت بر میزان موفقیت در بازی‌های المپیک است، البته این امر را لویی (۲۰۱۵) در پژوهشی استدلال می‌کند که رشد جمعیت از ویژگی‌های منفی و عامل عقب‌ماندگی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه است؛ اما رشد آن در کشورهای پیشرفته یک عامل است (۱۹). در بحث توسعهٔ اقتصادی نیز شاهد این تضاد هستیم. به‌طور مثال در تعیین رابطهٔ بین رشد اقتصادی کشورها و رشد جمعیت مناقشات زیادی وجود دارد، اما چنین برمی‌آید که در کشورهای در حال توسعه و دارای رشد جمعیتی بالا، رابطهٔ بین رشد اقتصادی و رشد جمعیت معکوس باشد (۵). اما به‌طور کلی امروزه اثر مثبت نیروی انسانی (جمعیت کشور) بر توسعهٔ سازمان‌ها یا کشورها اثبات شده است. همان‌طورکه استرادیو (۲۰۰۹) توسعهٔ ورزش قهرمانی را در استرالیا تجزیه‌وتحلیل کرد و نتایج حاکی از آن بود که توسعهٔ ورزش قهرمانی نیازمند جمعیت و نیروی انسانی ماهر و همکاری و وجود گروه‌های علاقه‌مند (برای مثال تماشاگران و مدیران) است (۲۳).

نتایج این پژوهش همچنین حاکی از تأثیر و رابطهٔ مثبت و معنادار میزان تولید ناخالص داخلی بر میزان مقام‌های المپیک در بین کشورها و نیز قابل پیش‌بینی بودن ۱۹ درصدی این دو متغیرها با یکدیگر است. همسو با نتایج پژوهش حاضر، نتایج پژوهش کاستونا (۲۰۱۱) حاکی از آن است که شاخص اقتصادی تولید ناخالص داخلی[1] می‌تواند در موفقیت و کسب مدال‌های المپیک تأثیر بسزایی داشته باشد (۱۰). در تأیید این مطلب گزارش کمیتهٔ بین‌المللی حاکی از آن است که بیش از نیمی از مدال‌ها و افتخارات بازی‌های المپیک تابستانی ۲۰۰۸ پکن توسط ۱۰ کشور توسعه‌یافتهٔ جهان کسب شده است. در تبیین این موضوع می‌توان گفت یک جامعهٔ ثروتمند با تخصیص مبلغ بیشتری از منابع به توسعهٔ زیرساخت‌های ورزشی (برای مثال استادیوم‌ها، تجهیزات و مربیگری حرفه‌ای) می‌تواند استعدادهای ورزشی بیشتری برای کسب موفقیت‌های ورزشی بپروراند، زیرا بهبود وضعیت اقتصادی با افزایش سطح رفاه مردم همراه بوده و این موضوع با افزایش تقاضای مردم برای ورزش همراه است که موجب شکوفایی هرچه بیشتر استعدادها و در نهایت، قهرمان‌پروری در آن کشور می‌شود (۱۳،۱۹). البته برخی پژوهشگران مانند جانسون (۲۰۱۶) معتقدند که تولید ناخالص داخلی تنها با تعامل با اندازهٔ جمعیت می‌تواند مؤثر واقع شود (۱۵).

نتایج این پژوهش از ارتباط مثبت میزان وسعت سرزمینی کشورها با توسعهٔ ورزش قهرمانی آنان حکایت دارد که این مورد از سایر عوامل معنادارشده، با تأثیر و رابطهٔ کمتری مشاهده شد. برای نمونه کشورهای با وسعت زیاد مانند چین، آمریکا، روسیه و استرالیا که موفق شده‌اند در ورزش قهرمانی توسعه یابند و از طرفی وجود کشورهای با وسعت زیاد مانند هند و الجزایر که در ورزش قهرمانی توسعه نیافته‌اند، مؤید این مطلب است که عامل وسعت سرزمینی در کنار سایر شاخص‌های دیگر باید سنجیده شود، اما نتایج ضریب همبستگی این پژوهش در مجموع کشورها، این عامل را معنادار توصیف کرده است.

از طرفی نتایج این پژوهش نشان داد رابطهٔ معناداری بین میزان رفاه مردم کشورها با توسعهٔ ورزش قهرمانی وجود ندارد، هرچند نتایج جیانگ و همکاران (۲۰۱۷) حاکی از آن بود که میزان امید به زندگی بر عملکرد ورزش قهرمانی اثرگذار است (۱۴)، اما به‌طور کلی با توجه شاخص‌های متفاوت درنظرگرفته‌شده در رفاه مانند

1. Gross Domestic Product (GDP)

کارآفرینی و فضای کسب‌وکار، سیاست، آموزش، بهداشت، امنیت، آزادی فردی و سرمایهٔ اجتماعی همبستگی مثبت معناداری بین این متغیرها به‌دست نیامده است. به‌طور مثال دو کشور نروژ و سوئیس که در سال‌های اخیر رتبهٔ اول و دوم شاخص رفاه جهان را به‌دست آورده‌اند، در المپیک ۲۰۱۶ ریو به‌ترتیب رتبه‌های ۷۴ و ۲۴ این دوره را کسب کرده‌اند.

در نهایت یافته‌های این پژوهش نشان داد رابطهٔ معناداری بین میزان پارامتر توسعهٔ علمی کشورها با زیرشاخص‌های آموزش، پژوهش، استناد، چشم‌انداز بین‌المللی و درآمد دانشگاه‌ها با توسعهٔ ورزش قهرمانی وجود ندارد. هرچند شواهد تجربی کشورهای مختلف جهان نشان می‌دهد که هرچه توسعهٔ علمی کشورها بیشتر باشد، توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی آنها نیز بیشتر خواهد بود، اما این موضوع در این پژوهش در میزان کسب مقام‌های المپیک معنادار نشده است و این شاید به‌علت شاخص‌های رتبه‌سنجی علمی جهانی که متفاوت از شاخص‌های توسعهٔ علوم ورزشی است، باشد، چراکه پژوهش‌ها نشان می‌دهد نرخ سواد و علم در کسب موفقیت‌های ورزشی مؤثر است، ولی از طرفی می‌تواند این امر معکوس باشد و ممکن است به‌علت تمایل و استعداد ذاتی برخی کشورها برای شرکت در برخی رقابت‌های ورزشی باشد. به‌طوری‌که عدم کسب مدال یا عملکرد ضعیف کشورهایی با نرخ باسوادی بالا (مانند نروژ، سوئیس، مالزی و غیره) و کسب مدال‌های بیشتر در کشورهایی با شاخص آموزش متوسط تا ضعیف مانند چین، اتیوپی و جامائیکا باشد (۱۴).

به‌طور کلی در تحقیقات گذشته بیشتر عوامل مستقیم در توسعهٔ ورزش قهرمانی مطالعه شده بود و کمتر عوامل غیرمستقیم و محیط عمومی تأثیرگذار بر ورزش قهرمانی بررسی شده است. در این پژوهش عواملی مانند جمعیت، وسعت، تولید ناخالص داخلی، سطح رفاه و علمی کشورها در ارتباط با میزان مقام‌های المپیک به‌عنوان شاخص مهم ورزش قهرمانی مطالعه شد تا تأثیر این عوامل به‌صورت علمی و آماری بر توسعهٔ ورزش قهرمانی به‌دست آید. نتایج تأثیر سه عامل میزان جمعیت، وسعت سرزمینی و تولید ناخالص داخلی را بر توسعهٔ ورزش قهرمانی تأیید و تأثیر دو عامل سطح رفاه و سطح علمی را تأیید نکرد. تأثیر این عوامل در قاره‌های مختلف نیز متفاوت بود. مثلاً در قارهٔ اروپا تأثیر سه متغیر تأییدشده نسبت به قارهٔ آسیا و آفریقا که هر کدام در یک متغیر تأیید شد، پررنگ‌تر بود. در نهایت می‌توان گفت این پنج عامل به‌تنهایی قادر به پیش‌بینی توسعهٔ ورزش قهرمانی نیستند و در تعامل با یکدیگر و سایر عوامل مستقیم مانند میزان سرمایه‌گذاری انسانی، مالی، تجهیزاتی، رسانه‌ای، استعدادیابی و غیره می‌توانند اثرگذار باشند.

منابع و مآخذ

۱. تمنا، سعید (۱۳۸۹). «مبانی جمعیت‌شناسی»، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چ ششم، ص ۲۳۵.

۲. شعبانی، عباس (۱۳۹۴). «تحلیل محیطی ساختار ورزش ایران براساس مدل سلسله‌مراتبی ورزش»، رسالهٔ دکتری، دانشگاه پیام نور، مرکز تحصیلات تکمیلی، ص ۲۹.

۳. عسگریان، فریبا (۱۳۸۴). «بررسی وضعیت اقتصادی صنعت ورزش ایران در سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۸۰» نشریهٔ حرکت، ش ۲۴، ص ۴۴-۲۵.

۴. کریم‌نیا، الهام (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی بر موفقیت ورزشی کشورها در بازی‌های المپیک»، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران، ص ۲۱.

۵. لوکاس، دیوید؛ میر، پاول (۱۳۸۴). «درآمدی بر مطالعات جمعیتی»، ترجمهٔ حسین محمودیان، تهران، انتشارت دانشگاه تهران، چ دوم، ص ۲۳۱.

۶. محمدی، احمد (۱۳۸۹). «ارائهٔ یک مدل ریاضی رتبه‌بندی برای کشورهای شرکت‌کننده در بازی‌های آسیایی ۲۰۰۶ قطر»، فصلنامهٔ المپیک، ش ۳، ص ۱۹-۷.

۷. مظفری، سید امیراحمد (۱۳۸۸). «طراحی و تدوین نظام جامع ورزش قهرمانی کشور، طرح پژوهشی»، پژوهشکدهٔ تربیت بدنی و علوم ورزش، ص ۴-۲.

۸. همتی‌نژاد مهرعلی (۱۳۹۲). «پیش‌بینی موفقیت کشورهای شرکت‌کننده در بازی‌های آسیایی بر اساس متغیرهای کلان اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی»، فصلنامهٔ علوم ورزشی، ۵(۱۱)، ص ۸۶-۵۷.

۹. همتی‌نژاد، مهرعلی (۱۳۹۰). «پیش‌بینی رتبهٔ تیم ملی ایران در بازی‌های آسیایی با استفاده از مدل درخت تصمیم‌گیری»، فصلنامهٔ علوم ورزشی، ۲(۳)، ص ۳۶-۲۲.

10. Custona, Z., Skorić, S. (2011). “Winning medals at the Olympic Games – Does Croatia Have Any Chance”, Kinesiology, 43(1), 107-114.

11. Dolles, H., Soderman, S. (2008). “Mega-sporting events in Asia-impacts on society, business and management: An introduction”. Asian Business and Management journal, 7 (4), 147-162.

12. Fetter, S.E. (2015). “Socioeconomic determinants of win maximization at the FIFA World Cup”, Doctoral Dissertation, The Faculty of the Department of Economics and Business, the Colorado College, p: 54.

13. Hoffmann, R., Ging, L. C., &Ramasamy, B. (2004). “Olympic success and ASEAN countries, economic analysis and policy implications”, Journal of sports economics, 5(3), 262–276.

14. Jiang, Y., Ma, T., & Huang, Z. (2017). “The economic factors analysis in Olympic game”, International journal of sports science and Engineering, 4(3), 181-187.

15. Johnson, D. K. (2016). “A tale of two seasons: Participation and medal counts at the summer and winter Olympic Games”. Social Science Quarterly, 85(4), 974-993.

16. Krishna, A., Haglund, E. (2008). “Why do some countries win more Olympic medals? Lessons for social mobility and poverty reduction”, Economic & Political Weekly, 43 (28), 151-143.

17. Lee, R., Mason, A. (2016). “Fertility, Human Capital, and Economic Growth over the Demographic Transition”, European Journal of Population, 26

18. Lindfelt, M. (2016). “Elite sports in tension: making identification the core moral norm for professional sports in the future”, Sport in Society, vol.13, no.2, p. 186-198.

19. Lui, H. K., Suen, W. C. (2015). “Men, money, and medals: An econometric analysis of the Olympic Games”, Pacific Economic Review, 13(1), 1-16.

20. Luiz, J., Fadal, R. (2010). “An economic analysis of sports performance in Africa”, International Journal of Social Economics, 38 (10), 869 – 883.
21. Roberts, G. (2013). “Accounting for achievement in Athens: A count data analysis of national Olympic performance”, /on-line/. Retrieved January 20, 2008 from: http://web.uvic.ca/econ/ewp0602.pdf. p:1
22. Saaty, T. L. (2008). “Who won the 2008 Olympics? A multicriteria decision of measuring intangibles”. Doctoral Dissertation, University of Pittsburgh. pp. 159–182.
23. Sotiriadou, K., Shillbury, D. (2009). “Austalian elite athlete development: An organizational perspective”, Sport Management Review, 4, 76-90.
24. Van, C., Joreskog, K.C. (2016). “Going for gold welfare characteristics and Olympic success: An application of the structural equation approach. Quality and Quantity”, Sport in History, 46, 189-205.